

مساکن^(۱) شبانی درگیلان (ایران شمالی)
 دکتر سید علی پور فیسکوئی
 گروه جغرافیا - دانشگاه فردوسی مشهد

مشخصات عمومی

در این مقاله نمونه‌های گوناگون مساکن شبانی در نقشه شماره (۱) طبقه‌بندی شده است. بطور کلی مساکن در سطح جلگه گیلان بسیار متفرق و پراکنده اند و بیشتر اوقات این دهات متضمن مساکن سحابی، به صورت کلاته - هایی متفرق در حول یک ده مرکزی می‌باشند^(۲) حال آنکه خانه‌های متمرکز تپه ساران و مناطق کوهستانی به نحو بارزی نمودار می‌شوند که عموماً " نام " محله "، این کلاته‌ها را از مناطق جلگه‌ای گیلان متمایز می‌دارد.

این تفرق در مساکن نقطه عطفی در جغرافیای گیلان است که آنرا از تمرکز فوق العاده مرسوم در ایران داخلی متمایز می‌سازد. تفرق مساکن در گیلان مولود چند عامل است: الف - آباد کردن زمین‌ها که بسیار دیرینه‌تر در قرن نوزدهم اتفاق افتاده و به تفاریق صورت گرفته است. ب - ثروتمندان محلی که صاحب جنگل‌ها و بیشه‌زارها بوده‌اند به دفعات اراضی خود را قطعه قطعه کرده و به کشاورزان واگذار کرده‌اند. ج - کشاورز آبادی، زمین را که به او واگذار می‌شده در برابر معاف بودن از پرداخت بهره مالکانه برای چند سال و اعتباری اندک برای امور جاری زراعی و بخصوص خرید بذر به عهده می‌گرفته و سپس از آباد کردن زمین، خانه خود را در میان فضای جنگل آباد شده، می‌ساخته است.

۱- متخصصین جغرافیای مسکن HABITAT را معادل خانه نمی‌دانند و یا HABITATION را به همان گونه که مورد نظر کارشناسان امور شهری است بکار نمی‌برند، زیرا از لحاظ جغرافی شناسان، مسکن عبارت از بخشی از فضای مسکونی است که بوسیله خانه و سایر ملحقات آن (زمین، اغل، ابزار کار و...) اشغال شده باشد، و حتی پاره‌ای از جغرافی شناسان تحقیقات در امور خانه را از قلمرو کار خود خارج کرده و مساکن را فقط از لحاظ تجمع و تفرق مورد بحث قرار می‌دهند.

2- CYRUS SAHAMI L'économie rurale et la vie paysane dans la province sud-caspienne de l'IRAN: Le Guilân clermont - Ferrand, P.U.F, publication de l'Institut de géographie de clermont. Ferrand, N^e 28, 1965, P. 37.

این اقدامات عمرانی کاملاً فردی، لامحاله به تفرق مساکن انجامیده است. عوامل دیگری با ریشه‌های طبیعی یا انسانی به این تفرق کمک رسانیده‌اند: از جمله خاک‌رسی و چسبنده که با نخستین بارش‌های پاییزی مبدل به منجلاب می‌گردد و در برابر خشکی تابستانی به صورت قشری متراکم و بسیار سخت درمی‌آید، مشکلی بزرگ برای رفت و آمد و حمل و نقل است. فقدان یک شبکه ارتباطی روستایی مناسب و گسترده، اهمیت و منفعتی را که برای نزدیک بودن خانه و مزرعه در چنین شرایطی متصور است، توجیه می‌کند. از سوئی وضع استقرار مساکن بی رابطه با نظام کشت نیست. با اینکه تفرق قاعده کلی در جغرافیای مساکن گیلان است، باز در این سرزمین به گروهی از دهات فشرده و متمرکز بر می‌خوریم که به انواع متعددی متعلق هستند. برخی از این گونه دهات نتیجه یک تمرکز ثانوی هستند. یعنی کلاته‌ها در حول راه‌های ارتباطی عمده و یا در قلب زمین‌های حاصلخیز، محل تمرکز بعدی جمعیت شده و بصورت مرکز عمده جمعیتی درآمده‌اند. برخی دیگر در رابطه با ارتفاع اهمیت یافته‌اند. به این معنا که اراضی خشکی که از میان مناطق مرطوب سربه درآورده بودند محل استقرار دهاتی استخواندار گردیده است. از این جمله می‌توان باردیگر به دهاتی که بر روی رشته تپه‌های ساحلی قدیم و جدید و یا بر روی لبه بلند حاشیه رودخانه و نهرهای آبیاری مستقر شده‌اند، اشاره کرد. دهکده‌های حاشیه راهها و یا مستقر بر روی مخروط افکنه‌ها نادرتر هستند و یا پاره‌ای از آنها را مانند رودبار و یا رستم آباد در مسیر رودخانه سفیدرود در حین عبور از ارتفاعات البرز می‌توان دید.^(۳)

در گیلان تضاد در تپه مساکن میان دامنه خشک جنوبی از سویی و دامنه مرطوب شمالی و بخش جلگه‌ای از سوی دیگر کاملاً محسوس است. در دامنه‌های خشک، مساکن بصورت دهات واحه‌ای با بام‌های مسطح خودنمایی می‌کنند.

۳- سیروس سها می، جغرافیای ناحیه‌ای گیلان، پلی‌کپی از انتشارات دایره پلی-کپی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد سال ۱۳۵۴ ص ۳۴. علی پورفیکوئی- تحول اشکال دامداری سنتی در دشت گیلان، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد سال ۱۳۵۷ ص ۶۹۳.

این دهات را عموماً "باغات میوه و زراعت های آبی که در تهردهه^۴ کوچک خانه کرده اند، احاطه کرده است. در نخستین دامنه ها که معمولاً "بسه کشت دیم اختصاص دارند، مساکن کاملاً متمرکز و فشرده هستند. خانه و آغل هر یک، زاویه ای از حیاط خانه را اشغال کرده است.

این قبیل مساکن را بخصوص در دامنه های مشرف بر دره های شاهرود و قزل اوزن و در عمق این دره ها می توان باز جست، برعکس بر روی دامنه های مرطوب که مزارع و مراتع معمولاً از چنگ جنگل ها به مدد مبارزه انسان خارج شده اند، تفرق قانون کلی است. با وجود پاره ای تغییرات، مساکن از نظم خاصی بهره می گیرند که در استخوان بندی خانه های سطح جلگه دامنه ای، دیوارها و بنیان آنها در زمینهای رسی بدون هیچگونه پی ریزی در اکثر حالات روی خاک مستقر است. در نتیجه دیوارها فقط نقشی ثانوی در استحکام خانه بازی می کنند. ضمناً "به لحاظ رطوبت فراوان در کرانه های ساحلی پیرامون (دلتای سفیدرود) خانه ها در محلی بلند قرار می گیرند^(۳) و اصول عمومی خانه سازی در تمام دشت بدون تغییر باقی می ماند. خانه تقریباً "و منحصراً" با منشأ گیاهی یعنی از ساقه خشکیده برنج (کولوش) و یا "گالی" پوشیده شده است. فقط در کرانه های دریای خزر گیاهی بنام "لی، مَلج، ایچو تروف"^(۴) روئیده می شود که آنها بعنوان پوشش با م خانه ها استفاده می شود و از این لحاظ تمایزی اساسی میان خانه های گیلانی و خانه های مناطق مرتفع که سواحل دریا را احاطه کرده اند وجود دارد. بنای اصلی از یک چوبی ترکیب یافته که با می چهار دامنه را بر روی ستون^۵ها از چوب تحمل می کند و دیوارهایش نقش درجه دومی از معماری سنتی را نشان می دهد.

۳- سیروس سهامی: ر.ک جغرافیای ناحیه ای گیلان صص ۳۵ و ۳۴

4- Marcel Bazin, christian Bronberyer, avec la collab. de Asghar Askari et Asghar karimi, Guilân et Azarbaïdjân oriental, ethne hnographique, paris, ed Recherches sur le civilisation, A.D.P.F, Institut Francais d'Iranologie de Téhéran, Bibliotheque Iranienne N^o 24, 1982, PP. 39.51.

و محمد جوادی، بناهای کرانه های جنوبی دریای خزر تهران، چاپخانه رنگین ۱۳۴۳ صص ۸۹ - ۹۰

آغل‌ها عموماً " درکنار یادر پشت خانه‌ها و غالباً " پهلوی هم قرار گرفته‌اند. دامداران معمولاً " دام بزرگ و کوچک را جداگانه در اصطبل‌ها نگهداری می‌کنند. اما در زمستان‌های سخت که سرما، سیطره‌ای اجتناب‌ناپذیر دارد، احشام " بزرگ و کوچک " را بدون این که از هم جدا کنند در یک آغل جای می‌دهند این وضعیت زمانی اتفاق می‌افتد که از نظر تعداد دام و اعتبار، برتری آشکاری نسبت به سایر دامداران داشته باشند. در اکثر روستاهای واقع در حاشیه مرداب انزلی و لنگرود، دامداری نسبت به برنجکاری استثنائاً " از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این دهات دامداران آغل‌های بسیار بزرگ و جدا از هم تعبیه می‌کنند که گاجی یا گاج^(۵) نامیده می‌شود. گاومیش‌ها، اسب‌ها و گاوهای ماده را جدا از هم در آغل نگهداری می‌کنند. برای مثال در روستاهای چمخاله و گالش کلام شهرستان لنگرود (نقشه شماره ۲) خانه‌ها و آغل‌ها از محل سکونت روستائیان جدا می‌شود و در بخشی از حیاط و یادر حاشیه بلافاصله " شالیزارها " جای گرفته و دهکده‌های وسیعی در قلمرو دامداری شکل می‌گیرند که در مقایسه با نوع معیشت غالب در دشت کیلان " شالیکاری " این نوع دامداری آنطوری که باید و شاید قابل مقایسه نبوده و اهمیت چندانی هم ندارند.

بنظر می‌رسد فقدان راه‌های ارتباطی در زمان جمعیت‌پذیری سطح جلگه، منشاء و دلیل اساسی پراکندگی و تفرق خانه‌ها باشد زیرا در آن زمان، شالیکاران فاقد وسایل اولیه برای پیمودن فواصل قابل توجه تا محل فعالیت‌های زراعی بوده و وسیله‌ای جهت حمل مواد اولیه و ضروری محصولات درو شده را نداشته‌اند لذا از آن زمان دام‌های باربر در قلمرو فعالیت‌های زراعی مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

همچنان که کیفیت خاص سبک معماری خانه‌های روستایی در نواحی شرق و غرب سفیدرود (بیه پس و بیه پیش)^(۶) نشان می‌دهند.

5-Ali Pourfickoui, Marcel Bazin. Elevage et vie pastorale dans le Guilân (IRAN Septentrional), Paris, publication du département de géographie de l'université de Paris - sorbonne, 1978 N^e 7. P, 37.

۶- اصطلاحی است قدیمی که بیه پس به نواحی غرب سفیدرود و بیه پیش به نواحی شرق سفیدرود اطلاق می‌شد. (م).

در شرق و غرب سفیدرود پاره‌ای از دامداران متخصص کسه بیه مهاجرت های شبانی مبادرت می‌کنند در موسم زمستان در خانه‌های چوبی با بام‌های دویا چهاردیواره در دامنه‌های پایکوهی زندگی می‌کنند که بام خانه‌های آنها از تخته و چوب پوشیده شده است.

در غرب گیلان به هنگام مهاجرت های شبانی تنها تعدادی از دامداران متخصص در توقف گاه‌های بین راهی (نصفه رودخان ها و میان کوهها) خانه‌های ثابت دارند. حال آنکه در نصفه رودخان های شرق سفیدرود به علت محدود بودن فضای جنگلی مساکن شبانی ثابت در میان کوهها عمومیت دارد.

در مناطق کوهستانی (آلیاژها)^(۷) دامداران سنتی شرق و غرب سفیدرود، یا در خانه موقتی ساخته شده از چوب و سنگ و یادر کلبه‌های محقر و کوچک و یا در زیر چادرها زندگی می‌کنند.

در اکثر خانه‌های روستایی و شبانی واقع در سطح جلگه، میان کوه و مناطق کوهستانی، در کنار در ورودی اتاقها مکانی مستطیل شکل به درازای ۷۵ و پهنای ۵۰ و عمق ۲۰ سانتیمتر بنام "کله" تعبیه شده است که جهت طبخ غذا و یا گرم کردن اتاق بکار می‌رود و بدین منظور معمولا "زغال چوب و یا تپاله خشک شده گاو" مورد استفاده قرار می‌گیرد.

مساکن شبانی در مناطق کوهستانی غرب گیلان (بیه پس) لازم است در آغاز بین مساکن شبانی گالش های متخصص در پرورش دامهای بزرگد و چوپانان متخصص در نگاهداری دام های کوچک قائل به تفاوت شویم. این دو گروه از دامداران سنتی دارای خانه‌های موقتی و ثابت کاملاً متمایز از یکدیگر در بخش های کوهستانی گیلان می‌باشند.

مانند نمونه‌های کاملاً متفاوت مساکن شبانی این دامداران از سطح جلگه تا آلیاژها رادر مهاجرت های شبانی مورد ارزیابی قرار داده‌ایم. مساکن

۷- آلیاژ- به مرغزارهای طبیعی با علف های کوتاه، فراسوی اشکوب های جنگلی در مناطق کوهستانی اطلاق می‌شود که بعنوان چرا گاه گله‌ها در فصول مساعد سال مورد تعلیف قرار می‌گیرد.

قشلاقی شالیکاران تالش " نیمه کوچ نشین " که مالک گله‌های بزرگ‌نیز هستند عموماً " در سطح جلگه قرار دارند و خانه‌های ثابت آنها مشابهتی تمام با شالیکاران سایر نقاط گیلان دارد و عموماً " بام خانه های آنها گالیپوش است. تنها استثنا در این زمینه فاصله هشتپیر تا آستارا است که خانه‌های قشلاقی نیمه کوچ نشین تالش با بامهای سفالین بچشم می‌خورد. آغل‌ها در اکثر مناطق جلگه‌ای تالش طویله نام دارد و احشام فقط شب هنگام با لاص در موسم زمستان یعنی زمانی که هوا بشدت سرد است و یا برف می‌بارد در آغل می‌مانند.

گالش‌ها و شونه‌ها^(۸) در موسم قشلاق، دامهای متعلق به خودویسا دامهایی را که بر اساس قراردادهای گوناگون اقتصادی به آنها واگذار شده در پایکوه (پایین ترین حد تپه ساران) نگهداری می‌کنند.

گالش‌ها عموماً " در خانه‌های ثابتی که مواد آنها چوب والوار و یا تخته تشکیل می‌دهد، زندگی می‌کنند و معمولاً " فاصله میان چوبها و تخته را به عنوان ملاط پر می‌کنند. بام این خانه‌ها که دویا چهار دیواره هستند از قطعات کوچک تخته پوشانده می‌شود که اصطلاحاً " آنرا لت پوش^(۹) یالت سر گویند. در پاره‌ای نقاط روی لت‌ها سنگهای نسبتاً " بزرگی می‌گذارند که این سنگها در مقابل باد و توفان شدید، بام خانه‌ها را حفاظت می‌کند. البته شبانان در صورتی که امکانات مادی به آنها اجازه دهد در خانه‌هایی از این دست و در غیر این صورت در کلبه‌های محقر و کوچک و یا زیر چادرها سکونت می‌کنند. این کلبه‌ها و چادرها روی قطعاتی از زمین که معمولاً " پوشیده از برگ گیاهاتی از خانواده سرخس است و دار بستی ناپایدار از شاخ و برگ درختان دارند، ساخته می‌شود. بام این مساکن از پوست بز ماده پوشانده می‌شود. اخیراً " دامداران پرده‌ای از نایلون را برای جلوگیری از نفوذ باران به داخل این مساکن، بکار می‌گیرند.

شکل ظاهری این کلبه‌ها و چادرها بصورت نیمه استوانه (تونل) ساخته می‌شود که در موسم قشلاق چوپان و خانواده اش و همچنین پره‌ها و بزغالها

۸- در پاره‌ای نواحی توالش چوپان را به لهجه محلی شونه می‌گویند.

9-M.Bazin, le Tâlech., t.2, pp, 15-17. A.Pourfickoui, M.Bazin, op.cit.

وا پناه می‌دهد. این مساکن معمولاً " به دو بخش تقسیم شده، قسمتی به اقامت چوپان و خانواده‌اش و بخش دیگر به دام اختصاص دارد که اصطلاحاً " آنرا " وُلر " گویند.

شونه‌ها سوای بره‌ها و بزغاله‌ها بقیه گله را در موسم زمستان به چرا رها کرده و شب هنگام چوپانان رَمهٔ چهارپایان را در میدان‌های کوچک مدور یا مستطیل شکل به ارتفاع ۸۰ الی ۱۰۰ سانتیمتر که معمولاً " باشاخ و برگ درختان یا سنگ لاشه محصور شده، نگاه می‌دارند. راه ورود دام‌ها شکافی بطول یک متر در این حصار تعبیه گردیده است. این محل را که شبانان شب هنگام به تنهایی در آن با دام‌ها بسر می‌برند به لهجه محلی آژه گویند.

در فصل زمستان به هنگام نزول برف سنگین، زمانی فرامی‌رسد که دامداران اعم از " گالش و چوپان " به همراه کلیهٔ احشام و مواد و مصالح کلبه و چادرها، خویش در حاشیهٔ بلا فصل دریا مستقر می‌گردند.

گاهگاهی توافق‌گونه‌ای بین گالش و چوپان دایر بر نگهداری شماری از دام‌های کوچک (گوساله، بره، بزغاله) صورت می‌گیرد و در نهایت یک سوم از بخش داخلی کلبه‌ها و چادرها به گوساله‌ها و بخش دوم به بره‌ها و بزغاله‌ها و قسمت سوم به دامدار و خانواده‌اش اختصاص داده می‌شود و سایر دام‌های بزرگ را به علت کمبود جاحتی در فصول سرد در خارج از آغل‌ها می‌کنند.

در نصفه رودخان‌ها بویژه به لحاظ رطوبت بیش از حد که در این بخش از مناطق گیلانی حکمر وایی بلامنازع دارد، تنها شمار معدودی از خانه‌ها دائمی را مشاهده می‌کنیم. خانه‌های موقتی نصفه رودخان‌ها که مورد استفاده نیمه کوچ نشینان تالش است بطور متوسط عمری ۱۵ تا ۲۰ ساله دارند. مسلمانان استحکام این خانه‌ها به مراتب کمتر از خانه‌های ساخته شده در قشلاق است. گو اینکه مواد و مصالح آنها مشابه بوده و هر دو نوع خانه از چوب ساخته شده و با مه‌های آنها بر حسب فضایی که اشغال می‌کنند دویا چهارشیب دارند.

اما در چراگاه‌های تابستانی " بیلاق‌ها و آلیاژها " دو نوع خانه مشاهده می‌شود: خانه‌های چوبی از همان نوعی است که در نصفه رودخان‌ها به شرح آنها مبادرت شد و یا کلبه‌ها و چادرهایی بادار بست‌های نیمه استوانه‌ای (تونل شکل).

مساکن گالش ها با لآخص نمونه‌های چوبی آن غالباً " کسه " خوانده می‌شود. اما در روستاهای مختلف توالش به اصطلاحاتی از قبیل کومه گوال، دوج، یادورگانی برخوردار می‌کنیم. بام این خانه‌ها عموماً " از تخته‌ای است که بر روی آن سنگ می‌گذارند و معمولاً " روی دیوارهای مدور و مسطح استقرار می‌یابند. (تصویر شماره ۱) .

همچنین تغییراتی در پاره‌ای از خانه‌گالش ها بنام گوال کت سر دیده می‌شود که تفاوت آن با انواع دیگر این است که بام گوال کت سرها قابل واچیدن است. زیرا مواد متشکله آن سبک و از پوست گوسفند و نیلون است و نیمه کوچ نشینان تالش به هنگام فرود به قشلاق، سقف و بام این خانه‌ها را جمع می‌کنند. این خانه‌ها دارای دیوارهای سنگی است و روی این دیوارها داربست‌ها، نوک تیز از شاخ و برگ درختان که پوست گوسفند و نیلون بر روی آنها کشیده شده، دیده می‌شود.

همانطور که قبلاً " اشارت رفت بیشتر اوقات در بیلاق، گالش ها به دلیل وزش بادهای شدید، سنگهایی روی تخته بام مساکن می‌گذارند. ولی پاره‌ای اوقات اتفاق افتاده که حتی در پایان تابستان بامها بر اثر هجوم باد کاملاً " از جاکنده شود. البته این امر در درجه اول در ارتباط با موقعیت جغرافیایی بیلاق ها و همچنین بر حسب عامل ارتفاع و متغیر بودن شرایط آب و هوایی در سالهای مختلف است. مثلاً " در بیلاق تا لارگه واقع در ارتفاعات جنوبی تالش، مواد مصالح سقف و بام خانه‌ها رابه هنگام فرود به قشلاق جمع می‌کنند. حال آنکه در بیلاق خشک دریا مساکن موقتی را به همان صورت رها می‌کنند تا سال دیگر در موسم بیلاق مجدداً " از آن استفاده کنند.

گالش ها رمه دامهای بزرگ را در موسم بیلاق جهت تعلیف و چرای آزاد رها می‌کنند در حالیکه گوساله‌ها را در آغل‌هایی بنام " کَه " که نظایر آنرا در نصفه رود خان‌ها توصیف کرده‌ایم نگهداری می‌کنند و بطور کلی این مساکن در اولین تپه ساران و نصفه رودخان‌ها و بیلاقات، بنامهای گاج، گاچه، گاچه سرا، نامیده می‌شوند.

اما شبانان در موسم بیلاق در کلبه‌ها (کومه‌ها) یا زیر چادرهایی که در شمال شهرستان توالش بنام پاری و در مرکز پارو و در جنوب نام پارگه



تصویر شماره ۱- بالا : گوال - پاشین کومه

دارند، زندگی می‌کنند.^(۱۰) چوب بست آنها به شکل نیم‌دایره، (مانند تونل) و ساخته شده از شاخ و برگ درختان است که بیشتر اوقات چوب بست‌هایی بر پایه‌های سنگی که درپاره‌ای موارد ارتفاع آن به یک متر می‌رسد، متصل است که آنرا بوسیله تخته و گاهگل محکم کرده‌اند (نصیر شماره ۲).

کلبه‌ها (کومه‌ها) و چادرها هرچند که از لحاظ مواد و مصالح و شکل ظاهری تمایزی نسبی دارند، ولی معمولاً "چادرها از استحکام کمتری برخوردارند و به آسانی می‌توان اجزاء آنها را از هم جدا و دوباره سوار کرد و اصولاً" چادرها مورد استفاده چوپانانی است که نوعی به رمه گردانی (ترانسفرمانس) مبادرت می‌نمایند.

کلبه‌ها و چادرها دارای پوششی ساخته شده از پوست بز هستند که برای جلوگیری از نفوذ باران آنها در پوششی از نایلون می‌گیرند. در موسم بیلاق و شب هنگام در مناطق مرتفع، چوپانان دامهای کوچک را محصور در دیواره کوتاهی از شاخه‌های درختان و یا سنگ لاشه به ارتفاع ۸۰ الی ۱۰۰ سانتیمتر بشکل دایره و گاه مستطیل در فضاهای کوچک میدان شکل گرد می‌آورند.

این میدانهای کوچک به نامهای مَنَدَن یا گَر ویا آژَه و بندرت چَپَر نامیده می‌شوند^(۱۱) که بر حسب وضعیت مادی دامداری می‌توانند یک یا چند گله را در خود جای دهند.

همچنین در نواحی غرب گیلان در اماکن قشلاقی (سطح جلگه یا اولین اشکوب‌های ارتفاعی) دامداران متخصص مبادرت به ساختن نمونه‌گیری از مساکن شبانی می‌کنند که همزمان برای سکونت دامداران در اصطبل‌دامها مورد استفاده قرار می‌گیرد. در شمال شهرستان تالش این مساکن به نامهای **وانه، ونه، یا ونه**.

10-Hyacinthe - Louis Rabino "Les provinces caspiennes de la perse: Le Guilân" Revue du monde musulman t.32/1915-16 P.499.

ترجمه شده توسط جعفر خما می‌زاده، 'ولایات دارالمرز گیلان' از انتشارات فرهنگ ایوان شماره ۱۱۹ سال ۱۳۵۱.

11-M.Bazin, le Tâlech... Opcit t2/p.17.

سرا (تصویر شماره ۳) نامیده شده (۱۲) و معمولاً "در سراسیمی ساخته می‌شوند. بام این وانها از سطح زمین ارتفاع چندانی ندارد. مواد متشکله آنها عموماً " از چوب با بام لت پوش یا لت سر است. این وانها برای گله دامهای بزرگ و کوچک و دامداران گالش و چوپان مورد استفاده است.

در این مساکن گالش ها و چوپانان با احشام خود در وانها زندگی می‌کنند و در مواردی که گله از اهمیتی نسبی برخوردار باشد، خانه دامداران متخصصی در فاصله چند متری آنها ساخته می‌شود.

این خانهها را از جنوب تالش تا روستای امامزاده ابراهیم (شهرستان فومن) به نامهایی که مذکور افتاد می‌یابیم. این نوع از مساکن (ونه، وانه) بویژه در روستاهای چلسی و دستگید در جنوب ماسال توالش بسیار عمومیت دارد و عموماً " بناهایی هستند یک طبقه بادییواری چوبی (مدور یا مسطح) و بامی لت پوش. دامداران متخصص طبقه همکف را به دامهای بزرگ و طبقه اول را به دامهای کوچک اختصاص می‌دهند و بوسیله یک نردبان افقی به درون آغل هدایت می‌شوند. در ساختمان این خانهها از دامنه های شیب دار استفاده می‌کنند.

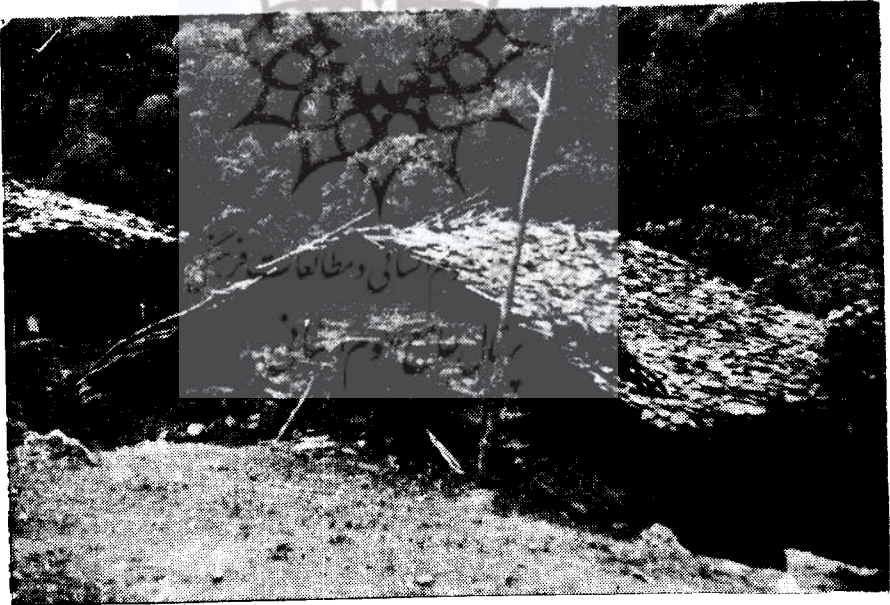
حدود چهار سال است که این وانها، دامداران و چهارپایان بزرگ با لاص گوسالهها را در طبقه هم کف پناه می‌دهند و دامهای کوچک با چوپان در طبقه اول در موسم قشلاق روزگار می‌گذرانند. اینگونه استفاده انحصاری برای گوسالهها امروزه تقریباً " متروک شده است و در شرایط کنونی طبقه هم کف به وسیله دامدار به دامهای بزرگ و گاهی به دامهای کوچک نیز اختصاص می‌یابد حتی در چنین حالتی باز نام گلاچ را که مورد استفاده دامهای بزرگ با لاص گوساله است برای تفکیک و تعیین و جدایی آغل بره و بزغاله بکار می‌گیرند.

12-A.Pour Fickoui, M. Bazin, op, cit. p. 31.

وکاظم سادات اشکوری - تاملی در مسکن حیدرآلات هنر و مردم شماره ۱۵۶ سال ۱۳۵۴ ص ۴۹ و رابینو ولایات دارالمرز گیلان ص ۳۲۵.



تصویر شماره ۲- پاری - پارو - پارگاه



تصویر شماره ۳- وانه - ونه

مساکن شبانی منطقه کوهستانی شرق گیلان " بیه پیش "

دربخش شرقی منطقه گیلان مساکن دائمی دامداران کشاورز در مناطق قشلاقی به دو صورت کاملاً متمایز دیده می شود. بعبارت دیگر با ما کثر مساکن شبانی اعم از مدور یا مسطح معمولاً دارای دو یا چند دامنه هستند و غالباً با ما خانه ها از چوب پوشیده شده و " کت پوش " نام دارند.

با وجود این پاره ای از مساکن دائمی واقع در روستاهای کردنشین مناطق عمارلو (فاراب و خورگام) و کلیشم ، ناوه ، انبوه در شهرستان و روستاهای غیر کردنشین دیلمان، عین شیخ، دیار جان و توکام زرد رود در شهرستان لاهیجان بعلت قلت بارندگی سالیانه و مجاور بودن با فلات مرکزی ایران و دامنه های خشک البرز جنوبی دارای ما مه های مسطح هستند.

در مناطق کوهستانی شرق گیلان با لخص دریلاقات، تمایزات بنیادی در مساکن گالش ها و چوپانها وجود ندارد و در موسم قشلاق دامداران از آغل هایی که طویله، گاج و گاجه (در شرق گیلان بطور مشخص گاج و گاجه را در اکثر نقاط برای ما مه های جوان بکار می گیرند) نامیده می شود، استفاده می کنند. لازم به یاد آوری است که در پاره ای روستاها منجمله در روستای آسیا بَرَك دیلمان اصطلاح گاجه را بر حسب تفکیک ما مه های بزرگ و کوچک فی المثل گاو گاجه و گوسفند گاجه بکار می گیرند.

در پاره ای از دهات شرق گیلان آغل هایی بنام کلوجا و جار مسورد استفاده گوساله هاست که اندک تفاوتی با گاجه دارد (ساختن این نوع آغل در ده سنگ سَرَك شهرستان لاهیجان عمومیت دارد).

پاره ای اوقات در ناحیه عمارلو دیلمان در موسم قشلاق دامداران آغل های مشترکی (موسم به گاج و گاجه) دارند که در آنجا گاوها و گوسفندان به تفکیک نگهداری می شوند. این آغل ها در پاره ای دهات مانند انبوه، کلیشم، وجیرین ده به شعاع يك یا دو کیلومتری روستاهای اصلی قرار دارند. در این روستاها همانطوری که در ده توتکابُن رودبار پاره ای از مساکن شبانی بیک طبقه دیده شده، طبقه همکف را همزمان با طبقه اول که توسط دامدار و خانواده اش اشغال شده برای استفاده احشام اختصاص می دهند. در میانگوهها

و ارتفاعات کوهستانی شهرستان رودبار و لاهیجان مساکن شبانی بنام کلام به فراوانی دیده می‌شود. در میان این ساختمانهای یک طبقه (بدون همکف) دونوع خانه: یا ساخته شده از چوب، بابامی دو دامنه از کت یامساکنی بابام مسطح پوشیده از شاخ و برگ درختان که کاملاً متمایز از یکدیگر نمی‌توان تشخیص داد. کلام‌هایی بابام مسطح در بیلاق‌های ناوه خان، نیاوک و لایه در شهرستان رودبار بسیار نادرند.

در شرق سفید رود پیرامون بیلاق دیلمان مساکن چوپانان کلام سرا یا کَل گاه نامیده می‌شود. در موسم تابستان زمانی که گرمای هوا بسسه اوج می‌رسد، چوپانان منطقه دیلمان بره‌ها را به نوعی از این مساکن چوبی بابام پوشیده از شاخ و برگ درختان هدایت می‌کنند. این خانه را به لفظ محلی ورخوسان می‌نامند. گاهی چوپانان و گالش‌ها مشترکاً "یا هرگروه به نوبت در این خانه‌ها اقامت می‌کنند. ولی غالباً این چوپانان هستند که به سوی چراگاه‌ها مرتفع‌تر (آلپاژ) و حتی تا خط الرأس کوهها صعود می‌کنند و در نتیجه کلام‌ها و مساکن موقتی دیگر را به گالش‌ها واگذار می‌نمایند. زیرا گاوها به هیچوجه به خط الرأس‌ها صعود نمی‌کنند. (زیرا گاوها نمی‌توانند سرمای خط الرأس‌ها را تحمل کنند. حال آنکه گوسفندها به لحاظ دارا بودن پشم در مقابل سرما مقاوم‌ترند).

در تمام مناطق کوهستانی شرق گیلان به سبب طولانی بودن شب‌های تابستان، چوپانان رمه‌ها و چهارپایان را در میدانک‌هایی بشکل دایره و عملاً شبیه به میدانک‌هایی که در غرب گیلان متداول است، نگهداری می‌کنند. این میدانکها را در مناطق بیلاقی مالگه یا فیل اطلاق می‌کنند.

گالش‌ها برعکس در شب‌های تابستان گله‌های خود را جهت چرای آزاد رها کرده و فقط گوساله‌ها را در نزدیکی کلام‌های خود با ریسمان می‌بندند.

اما در مناطق قشلاقی شرق گیلان، دامداران متخصص در نمونه سومی از کلام‌ها اقامت می‌کنند که این کلامها یک طبقه بوده و دارای طبقه همکف نیز هست و از نظر کاربرد مشابهتی تام و تمام با وانه‌های غرب سفیدرود دارند.

این کلام‌ها در روستاهای امیر گواهر، تب توس، گوسفند گوینه و غیره بسیار فراوان است و حتی نمونه‌هایی از آن بیسن‌سیاهکل و دیلمان

به نام " سرگه " " بونه که " دیده می‌شود. (۱۳)

ضمناً " در شرق سفیدرود شمار معدودی از کلبه شبیه به چادرهای سیاه دامداران مشاهده شده که پوششی از پوست بز ماده برنگ سیاه دارند و بدنه آنها از نی و شاخ و برگ ساخته شده است. اخیراً " ده عدد از این کلبه‌ها در روستای سنجده دره که بیلاق انبوه است، مشاهده شده که همزمان با این چادرها دقیقاً " نود کلام يك طبقه (بدون همکف) نیز وجود داشته و گمان می‌رود که این کلبه‌ها (چادرها) باز مانده مساکن شبانی، تابستانی اکراد و عمارلو باشد که امروزه متحول شده و به کلام با مشخصات بالا تغییر شکل داده است.

تطوری تازه در مساکن شبانی گیلان

طی دوره‌های اخیر تطوری بزرگ در مساکن شبانی گیلان به منصفه ظهور رسیده است. این دگرگونی بیش از همه در مواد متشکله مساکن قابل تعمق و بررسی است. هم اکنون دامداران حتی برای ساختن خانه‌های موقتی خسود الوارهای چوبی را بصورت ماهرانه‌ای بریده و با تخته‌های اره کشی شمسده کارخانه‌های چوب تعویض می‌کنند. علاوه بر این استعمال پرده‌های نایلونی برای محافظت کلبه‌ها و چادرها مبین دگرگونی‌های تازه‌ای است که پیشرفت و تکامل خانه‌های موقتی و ثابت را نشان می‌دهد و به لحاظ همین پیشرفت و تکامل است که کلبه‌ها بیش از پیش محکمتر شده و پایه‌هایش را با سنگ و دیوارهای آنرا در پاره‌ای نقاط با صفحات فلزی و حتی تیرهای آهن می‌سازند.

ظهور خانه‌های بتونی و سیمانی در دشت و درکوهستان و همچنین استفاده وسیع از فلزات برای استفاده در بام‌خانه‌ها، نشان دهنده تحسول و دگرگونی‌های شیوه زندگی دامداران و بهبود در وضعیت مسکونی آنان است.

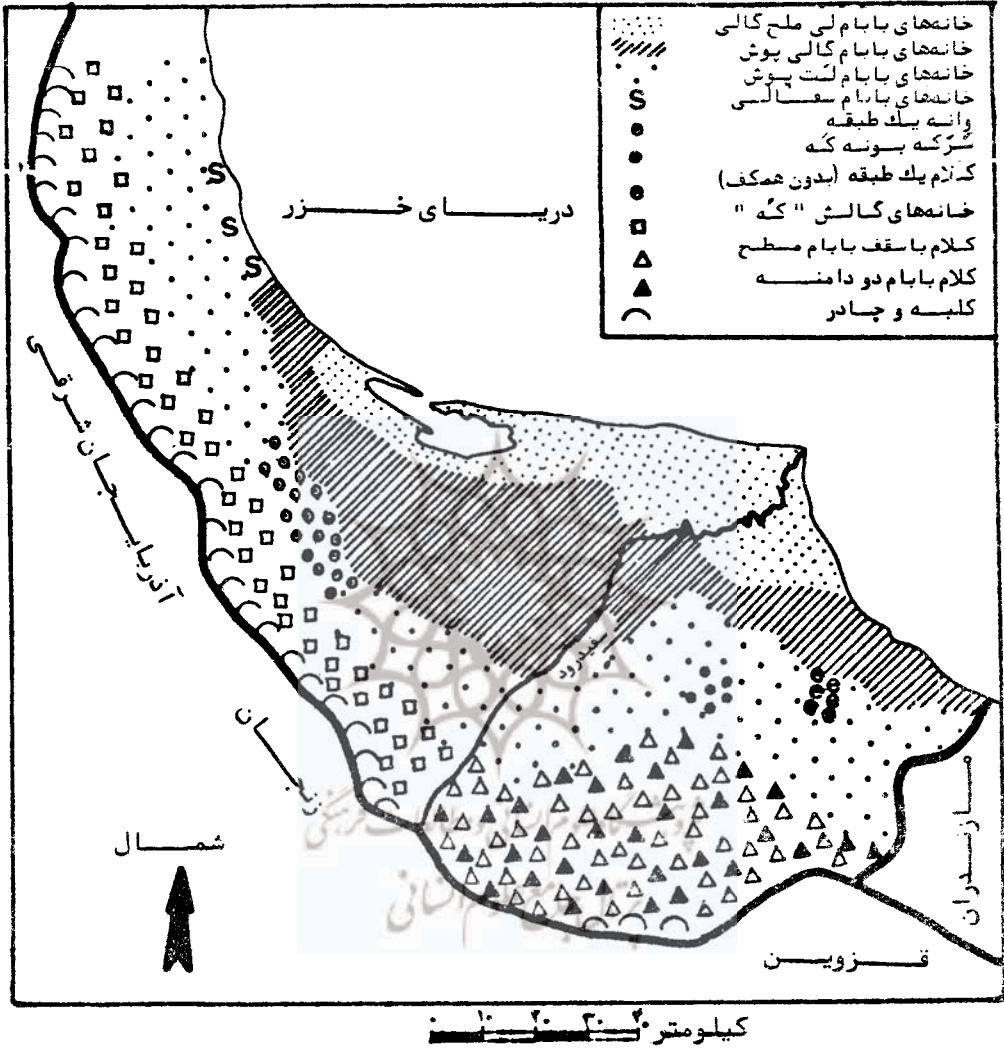
از سویی استفاده از چادر در مناطق کوهستانی و بیلاقی گیلان رفته رفته رو به افول می‌گذرد و کلبه‌های موقتی و دائمی جایگزین چادرها می‌شوند.

۱۳- سرگه لفظ طالبشی به معنای طبقه بالا بونه که طبقه پایین و گاهی کفا که طبقه بالا و جیرگه طبقه پایین نیز اصطلاح کنند.

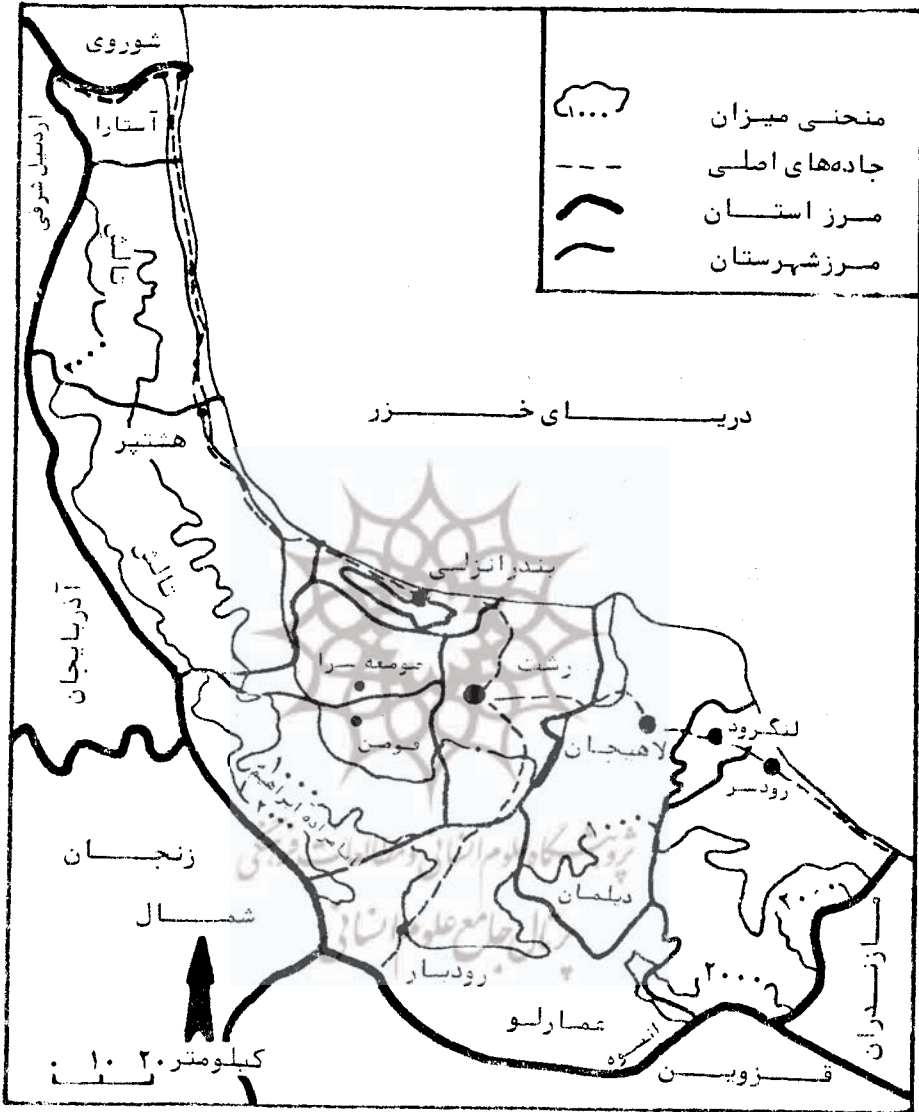
در واقع ما باید بین کلبه‌های موقتی و خانه‌های ثابت تمایز قابل شده ودقت لازم را بعمل آوریم.

از سویی دیگر در پاره‌ای مناطق، ساختن این کلبه‌های موقتی هم منسوخ می‌شود. فی‌المثل مدت سی سال است که به کلبه‌های چوبی در بیلاق شنبه‌راه (شهرستان تالش) حتی يك " کة " اضافه نشده و کماکان بقایای کلبه‌های ساخته شده قدیمی برجای مانده است. حتی در سالیان اخیر از ۲۲ خانوار دامدار که در بیلاق اقامت موقت داشتند، ۲۰ خانوار در " کة ها " زندگی می‌کردند. در حالیکه فقط سه خانوار فعال و پر جنب و جوش در کلبه‌ها اقامت داشتند. نهایت اینکه جدا شدن خانه‌ها و آغل‌ها با ارتقاء سطح زندگی دامداران و کشاورزانی که زندگی نیمه‌کوچ نشینی دارند در ارتباط بوده و کماکان ادامه دارد.





نقشه شماره ۱ - مسکن شیبانی درگیلان



نقشه شماره ۲ - استان گیلان

L'habitat pastorale au Guilân

"IRAN SEPTENTRIONAL "

POUR-- FICKOÛI- ALI

1- Caractéristiques générales

L'habitat dans la plaine du Guilân se caractérise par sa dispersion en nébuleuse, tandis qu'au piedmont et dans les zones montagneuses, il est davantage groupé en hameaux.

Malgré une certaine variété, une régularité et une homogénéité se dégagent en ce qui concerne le plan et sa structure des habitations de plaine.

Il s'agit de constructions à colombages, aux murs de torchis, dont la charpente repose sur le sol, sans aucune fondation dans la plupart des cas.

En raison de l'humidité qui règne dans la plaine côtière comme dans le delta du " sefid-roud " la majorité des habitations se trouve surélevée à une hauteur qui varie en fonction du terrain.

Les toitures ont quatre pentes, et le chaume (" koulouch " ou " gali ") les recouvre sauf en bordure des lagunes où l'on trouve une plante nommée " Li " ou " maladj " sorte de roseau utilisé comme couverture.

La robustesse de la construction provient de sa charpente et non de ses murs qui ne jouent qu'un rôle secondaire dans l'architecture de plaine.

Mais sur les alpages, les éleveurs vivent soit dans des constructions provisoires en bois, aux toitures

en bardeaux, soit dans des huttes, soit encore dans des tentes.

Depuis les dernières décennies une grande évolution apparaît dans l'habitat au guilân.

Cela se remarque tout d'abord dans les matériaux de construction actuellement pour bâtir leurs habitations temporaires de bois, les éleveurs remplacent fréquemment les roundis par des planches fabriquées dans les scieries ou découpées artisanalement.

